

# حقوق شهروندی زن از دیدگاه حقوق موضوعه و مفاهیم قرآن

فروزان علایی نوین\*

زینب اسماعیل پور\*\*

## چکیده

حقوق شهروندی یکی از مباحث مهم است که مورد توجه مکاتب حقوقی مختلف قرار گرفته است. و تضمین حقوق شهروندان که احياناً مورد تعدی حکومت قرار می‌گیرد از حساسیت خاصی برخوردار است، از سوی دیگر قوانین تبعیض آمیزی که حکومت‌ها در برخی موارد نسبت به جنس شهروندان خود وضع و اجرا می‌کنند امری است که وجدان انسان نمی‌تواند از آن بی‌تفاوت بگذرد.

در این نوشتار حقوق شهروندی زن از منظر کنوانسیون بین‌المللی، قانون اساسی و قرآن مورد بررسی قرار گرفت. مسلم گردید با آنکه مصادیق بارز نفی تبعیض و برقراری تساوی حقوق در همه موارد مختلف این معاهده دیده می‌شود اما اشکال اساسی کنوانسیون، تلقی ناصحیح از مفهوم «تبعیض» است. از نظر تنظیم‌کنندگان کنوانسیون «تساوی حقوق» به معنای تشابه است، در حالی که به این معنا نیست. تساوی برابری است و تشابه یکنواختی است. اسلام تبعیض بین زن و مرد را رد می‌کند و تساوی حقوقی را می‌پذیرد ولی مهم این است که تساوی را به معنای تشابه نمی‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق شهروندی، جنسیت، فقه امامیه، حقوق موضوعه، کنوانسیون بین‌المللی.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران - کرج. Forozan.alaei@kiau.ac.ir  
\*\* دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

## مقدمه

حقوق افراد یک جامعه اعم از زنان و مردان که آنرا حقوق شهروندی نامیده‌اند یکی از مباحث مطرح و مهم جهان کنونی است که مورد توجه اندیشمندان و صاحبان مکاتب حقوقی مختلف قرار گرفته است، با توجه به اینکه در صیانت از حقوق شهروندی می بایست ابتدا شهروند و حقوق او را شناخت لذا تبیین این حقوق از دیدگاه قرآن و حقوق موضوعه ضروری به نظر می‌رسد.

قرآن در اصل همه انسانها را در گوهر انسانیت و فضیلت و ارزش انسانی باهم برابر دانسته و رنگ و نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت را به عنوان وسیله تشخیص حساب می کند نه امتیاز و برتری. بنابراین برای زن و مرد شرافت و کرامت یکسانی قائل شده و جز تقدم در آفرینش مرد، نسبت به زن هیچ تفاوتی بین آنها ذکر ننموده است. تفاوتها و تبعیض‌های بجا یا نابجا بین زن و مرد و احساس حاکمیت مردان بر زنان در همه دورانها و نزد همه ملل و اقوام، کم و بیش وجود داشته و همواره نیز از سوی زنان اعتراضات و اقداماتی برای الغای آن تفاوتها و تبعیضها صورت گرفته آمده و به نتایجی هم منجر شده است. لذا ضمن تبیین این حقوق و اهداف آن از دو دیدگاه فقه و حقوق ایران و کنوانسیون بین المللی باید به جایگاه زنان به عنوان یکی از مصادیق شهروند که حقوق آنان در برخی از موارد نادیده گرفته شده است پرداخته شود.

## مفهوم شهروند

واژه شهروند معادل polites یونانی و citizen انگلیسی و citoyen فرانسه است. (عنایت، ۱۳۷۱ ش: ۱۷) در ادبیات فارسی، شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد. (افشاری، ۱۳۸۲ ش: ۵۲) و در حقوق بین‌الملل،

به معنی مصطلح آن، تنها به فردی که در واحد سیاسی حکومت از حقوق کامل سیاسی ومدنی بهره‌مند باشد قابل اطلاق است. (گولد جولوس، ۱۳۷۶ش: ۵۵۲) و در علوم اجتماعی، کسی است که از حقوق مدنی برخوردار است. (شجیعی، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ص ۴۱)

### مفهوم حق

حق در لغت، به معنای مطابقت، موافقت، موجود ثابت، صدق، خلاف لایق وباطل آمده است. (گرجی، ۱۳۷۸ش: ج ۱، ص ۲۷۹) حق در اصطلاح فقه، نوعی ملکیت است که به نحو خاص بین مالک ومملوک وجود دارد (ابن تراب، ۱۳۸۵ش: ش ۴۱ و ۴۲) حق از دیدگاه حقوقی اسلام، امری اعتباری است که صاحب حق، به موجب آن شایستگی بهره وری از امری واختصاص آن را به خود یافته است ورعایت آن بر دیگران نیز لازم است. (حقیقت، ۱۳۸۱ش: ۱۳۷) حق در حقوق، اختیاری است که قانون برای فرد شناخته تا بتواند عملی را انجام یا ترک نماید. (امامی، ۱۳۴۲ش: ج ۲، ص ۲)

### مفهوم حقوق شهروندی

به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه شهروندی گویند که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. اساسا شهروند کسی شمرده می‌شود که تنها تابع فرمان دولت نباشد بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. شهروندی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین الملل نیز محترم شمرده می‌شود. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند و معمولا تابع زادگاه و ملیت پدر و مادر است. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور نیز به دست می‌آید اما این‌گونه شهروندی معمولا همه حقوق

شهروندی (از جمله حق کسب و مشاغل دولتی) را با خود نمی‌آورد. (آشوری، ۱۳۷۳ش، ۲۲۱)

### انواع حقوق شهروندی

الف) حقوق مادی، همچون: حق زندگی، حق امنیت، حق رفت و آمد، حق مسکن، حق مصونیت مکاتبات، و مخابرات، حق دفاع، حق تابعیت، حق انتخاب شغل، حق تامین اجتماعی، حق مالکیت شخصی ...

ب) حقوق معنوی، همچون: حق آزادی اندیشه، حق آزادی بیان، حق آزادی ایمان، حق آزادی اطلاعات، حق آزادی اجتماعات، حق آزادی سیاسی، حق آزادی آموزش و پرورش، حق برابری و عدم تبعیض، حق برخورداری از دادرسی عادلانه. (احمدزاده، ۱۳۸۶ش، ش ۵۶)

### حقوق شهروندی زن از دیدگاه قرآن

الف) تساوی زن و مرد از لحاظ خلقت

قرآن کریم، مرد و زن را از لحاظ خلقت از یک جنس و در اصل گوهر انسانی یکی می‌داند. «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده وخلق منها زوجها و بث منهما رجلا کثیرا و نسا» «ای مردم بپرهیزید و بترسید از خدایی که شما را از نفس واحد آفرید و همسرش را نیز از او خلق کرد و از آن دو مردان و زنان زیادی را آفرید...» (نسا، ۱) تعبیرات زیادی به این مضمون در قرآن وجود دارد. در هیچ یک از آیات مربوط به خلقت انسان اشاره‌ای به کامل‌تر بودن آفرینش مرد و نقص و کمبود در خلقت زن دیده نمی‌شود.

ب) تساوی زن و مرد در کرامت انسانی

از نظر فضیلت و کرامت و دارا شدن ارزش‌های والای انسانی و مقام معنوی و توانایی

کسب صفات عالیه، در تعبیرات قرآنی تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود و در این زمینه آیات فراوانی در قرآن مجید وجود دارد. «ومن يعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنه ولا یظلمون نقیرا» (نساء، ۱۲۴)

ج) تساوی زن و مرد در تحمل تکالیف و مسئولیت‌ها

منظور از تکالیف و مسئولیت‌ها، مواردی است که برای هر دو یکسان امر شده، مثلا در امر به نماز یومیه، روزه... نه مواردی که خداوند خود در آنها قائل به تفاوت بین زن و مرد شده است. چرا که بنابه آیه «ان اکرمکم عندالله اتقکم» «همانا گرامی‌ترین شما نزد من با تقواترین شماست» (حجرات، ۳) هرگونه تمایزات جنسیتی را رفع نموده است و تمایزاتی که در برخی از موارد خداوند در مورد زنان قائل شده، تمایزات ناشی از نقصان عقل و یا تفاوت در خلقت نیست، بلکه لطف خداوند است.

د) توانایی بالقوه زنان در امر حکومت

با سیر اجمالی در قرآن کریم می‌توان به این مطلب پی برد که علی‌الاصول زنان از مشارکت در زندگی اجتماعی و عهده‌دار شدن مشاغلی از قبیل حاکم، رئیس جمهور، نخست وزیر و رهبر حزب در جوامع منع نشده و از این حیث ناتوان و ناقص قلمداد نشده‌اند. (مهرپور، ۱۳۸۶ش، ۲۲۵)

ه) یکسان بودن زن و مرد در مجازات

پس از بررسی آیات قرآن درمی‌یابیم که در محرمات الهی و کیفرهای مترتب بر آن نیز علی‌الاصول مرد و زن یکسان مورد خطاب قرار گرفته‌اند و قبح گناه و اعمال محرم و ممنوع و کیفر آن در مورد مرد و زن یکی است. خداوند در مورد مجازات سرقت می‌فرماید: مرد و زن دزد را به کیفر عملشان - که کیفری از جانب خداوند است - دست‌هایشان را ببرید. (مائده، ۳۸) و در مورد زنا می‌فرماید: زن زنا کار و مرد زناکار هر کدام را یکصد تازیانه زنید و اگر به

خدا و روز قیامت ایمان دارید در حکم خدا نسبت به آن دو مهربانی نکنید. (نور، ۲) ملاحظه نمودیم که یه اعمال خلاف ارتكابی آنان را ننگ آورتر و مستوجب مجازات بیشتر (حتی در مورد اعمال منافی عفت) می‌داند و نه مسئولیت آنان را کمتر به حساب می‌آورد.

(و) عدم ممنوعیت زنان برای شرکت در امور اجتماعی

قرآن هرگز زنان را در ردیف سفها و محجوران قرار نداده بلکه به رای و بیعت آنها با پیامبر اکرم (ص) نیز عنایت و توجه داشته و آن را معتبر شمرده است. و به پیامبر می‌فرماید: (ممتحنه: ۱۲)

«ای پیامبر، اگر زنان آمدند با تو بیعت کردند با آنها بیعت کن و برای آنها از خداوند طلب مغفرت نما که خداوند آمرزنده و مهربان است.

باتوجه به آیات قرآن، دلیل صریحی بر ممنوعیت شرکت زنان در امور مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و احراز مشاغل مختلف به چشم نمی‌خورد.


### نمونه‌هایی از تفاوت حقوق شهروندی زن و مرد

الف) ممنوعیت جهاد ابتدایی

آنچه به طور مسلم گفته شده، برای زن جهاد ابتدایی جایز نیست و تکلیف آن از زن برداشته شده است، یعنی جهادی که ابتدا تا از سوی مسلمانان برای دعوت کافران به اسلام آغاز می‌شود آن هم به صورت شرکت مستقیم در پیکار، از زن برداشته شده است. (طباطبایی، بی تا، ۳۵۹)

ب) ممنوعیت تصدی حکومت

در زمینه حکومت، ظاهراً آنچه گفته می‌شود که طبق سیره اسلامی و احیاناً برخی نصوص وارده مختص مردان است و زنان از آن محرومند، چیزی است که از آن به ولایت



تعبیر می‌شود و شاید بتوان امروزه آن را به ولایت فقیه و رهبری تالی امام علی (ع) تعبیر کرد. اما دخالت زن در سایر شئون حکومت با وضع فعلی و تلقی کنونی که در دنیای متمدن از حکومت وجود دارد، دلیل متقنی بر منع آن موجود نیست و زن می‌تواند از پایین‌ترین سطح تا بالاترین ردهٔ حکومتی مانند وزارت و وکالت و نخست‌وزیری و ریاست جمهوری انجام وظیفه کند.

#### ج) حرمت قضاوت برای زنان

در قرآن کریم نصی بر این ممنوعیت به چشم نمی‌خورد و نصوص روایی محکمی در این زمینه وجود ندارد ولی اجماع فقهای امامیه و نظر اکثر فقهای عامه بر عدم جواز قضاوت به وسیله زنان است.

اما امروزه آنچه را که به عنوان دلیل بر حرمت قضاوت برای زنان مطرح می‌شود به علت وجود احساسات و عواطف زنانه که ممکن است در صدور حکم تاثیر داشته باشد عنوان شده است.

#### د) حکم قصاص توسط زنان

یکی از مباحث مطرح شده در کتاب‌های فقهی این است که مجازات قتل عمد چیست؟ آیا قصاص است یا قصاص و دیه به نحو تغییر. (خزاعی، ۱۳۸۹ ش، ۱، به نقل از فیض، ۱۳۷۱ ش)

با بررسی آیات قرآن درمی‌یابیم که: در قرآن فقط به حکم قصاص نفس و اعضاء پرداخته شده و سخنی در مورد پرداخت دیه به میان نیامده است. (الحر العاملی، ۱۴۱۳ ق ج: ۱۹، ۶۲)

در ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی نیز چنین عنوان شده که: هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف

دیه مرد را به او بپردازد.

ه) حکم شهادت زنان

قرآن کریم در چهار مورد از شهادت سخن به میان آورده که در یک مورد آن مشخصاً از شهادت زن و میزان ارزش آن صحبت شده و آن دین می باشد.

«واستشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان ممن ترضون من الشهداء ان تضل احدیہما فتذکر احدیہما الاخری» (بقره: ۲۸۲) در این آیه ابتدا به حضور دو شاهد مرد سخن رفته و اشاره شده در صورت نبودن دو مرد، یک مرد و دو زن به عنوان شاهد در نظر گرفته شوند.

در این آیه به صراحت، اولویت اول به دو شاهد مرد داده شده و در درجه دوم شهادت زن هم پذیرفته شده ولی به این صورت که اولاً به ضمیمه مرد باشد و ثانیاً شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد محسوب گردد. (شافعی، بی تا ج: ۲، ۱۳۱، ۱۳۰)

و) ارث و نفقه زنان

در قرآن سهم الارث زن نصف مرد قرار داده شده است «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین...» و حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث برند. (نساء: ۱۱)

و در آیه ۱۲ سوره نساء خداوند متعال، احکام ارث زن و شوهر را بیان می فرماید. با توجه به آیات فوق، نصف بودن ارث زن را با پرداخت مهریه و نفقه توسط مرد توجیه کرده اند زیرا دختری که نسبت به برادر خود نصف سهم الارث را می برد وقتی خواست به عقد ازدواج مردی درآید مالی را به عنوان مهریه از او دریافت می کند. «و اتوا النساء صدقاتهن نحله...» مهر زنان را در کمال رضایت خاطر به آنان پرداخت کنید. (نساء: ۴) یا از او طلبکار می گردد. و پسری که دوبرابر خواهر خود ارث می برد به هنگام ازدواج باید مالی







راه همسر خود به عنوان مهریه تملیک کند یا متعهد به پرداخت آن گردد. همچنین زنی که نصف شوهر سهم الارث می برد در طول دوران زندگی زناشویی بدون اینکه از مال خود خرج کند مخارج خویش را از شوهر دریافت می دارد و برعکس، شوهر که سهم الارث او دو برابر زن است تکلیف دارد در طول دوران زندگی زناشویی نفقه زن و فرزندان خود را بپردازد و اگر نپردازد وظیفه امام است که در صورت عدم امکان الزام مرد به پرداخت نفقه، بین آن دو جدایی اندازد (علایی نوین، ۱۳۸۹ش: ۱۱۹، الحرالعملی ۱۴۱۳ق: ۳۲۷) و زن در این زمینه تکلیفی ندارد که چیزی از دارایی خود را صرف مخارج خویش یا خانواده نماید. پس، بین این دو وضعیت نوعی تعادل و هماهنگی برقرار است و از این حیث علی الاصول نمی توان گفت بین زن و مرد تبعیض وجود دارد. البته در نظام هایی که سیستم مهریه و نفقه وجود ندارد، بجاست که از تساوی حق زن و مرد در سهم الارث بحث کنند. (مهرپور، ۱۳۸۶ش: ۲۳۶)

در ارتباط با حقوق زن می توان به موارد دیگری نیز اشاره کرد از جمله: ازدواج - طلاق - سرپرستی بر فرزندان - تعدد زوجات - دیه... که می توان در مورد هر یک از آنها به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی زن سخن گفت. که ما در این نوشتار فقط به ذکر چند نمونه اکتفا کردیم.

### حقوق شهروندی زنان در قوانین جمهوری اسلامی ایران

در مقدمه قانون اساسی از موقعیت زنان و استیفای حقوق آنان به دلیل ستم بیشتری که متحمل شده اند سخن به میان آمده است و خانواده را یکی از واحدهای بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان معرفی نموده که زن به عنوان یکی از واحدهای خانواده باید از حالت (ششی بودن) و یا (ایزار کار بودن) خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارح مادری در پرورش انسان های مکتبی بکوشد، فراهم کردن امکانات جهت نیل به این

مقصود از وظائف حکومت اسلامی می‌باشد. در اینجا به برخی از اصل‌های قانون اساسی و مواد قانون مدنی که در جهت احقاق حقوق زنان می‌باشد اشاره می‌گردد:

اصل سوم قانون اساسی: تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

اصل دهم قانون اساسی: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل بیستم قانون اساسی: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم قانون اساسی: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
- ۲- حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

ماده ۷۰ قانون مدنی: رضای زوجین شرط نفوذ عقد است ...

ماده ۱۱۸ قانون مدنی: زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد



بکند.

ماده ۳۸ قانون کار مصوب ۶۹/۸/۲۹: برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود...

قانون مصوب ۷۴/۱/۲۹: زنان می‌توانند با رتبه قضایی، مشاغلی از قبیل: مشاور و قاضی تحقیق را انتخاب نمایند ولی قضاوت به معنای خاص (تحکیم) برای آنها مجاز نشده است. ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: دختر باکره هرچند به حد بلوغ و رشد رسیده باشد و در امور مالی و سایر امور مربوطه دارای اهلیت کامل باشد برای ازدواج باید اجازه پدر یا جد پدری خود را بگیرد.

ماده ۹۷۶ قانون مدنی بند ۶: هر زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج کند، خودبه‌خود تبعه ایران محسوب می‌شود. (حسینی نیک، ۱۳۸۶ش: ۱۲-۱۹)

## کنوانسیون حقوق زن از منظر بین‌المللی

کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۵۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد که شامل یک مقدمه و سی ماده است طراحی و تصویب شد و در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ لازم‌الاجرا شد. در یک نگرش کلی مواد سی‌گانه آن در دو بخش اساسی قرار می‌گیرند:

بخش اول، شامل شانزده ماده است که حقوق زنان را در عرصه‌های مختلف بررسی می‌کند و بخش دوم (ماده هفده به بعد) به نحوه اجرایی کردن کنوانسیون و ضمانت‌های اجرایی آن پرداخته است

ماده اول: تعریف تبعیض. ماده دوم: تغییر در سیستم قانونگذاری کشور. ماده سوم: وضع قوانین جدید. ماده چهارم: اتخاذ تدابیر ویژه موقت به منظور تسریع در برابری بالفعل.


ماده پنجم: تغییر در فرهنگ و باورهای جامعه ماده ششم: اقدام مقتضی جهت جلوگیری از استثمار و قاچاق زنان به منظور فحشا. ماده هفتم: تساوی در حقوق سیاسی و عمومی در سطح ملی. ماده هشتم: تساوی در زندگی عمومی و ملی در سطح بین‌المللی. ماده نهم: تساوی در حقوق مربوط به تابعیت. ماده دهم: تساوی در آموزش. ماده یازدهم: تساوی در اشتغال. ماده دوازدهم: تساوی در دستیابی به تسهیلات بهداشتی. ماده سیزدهم: امنیت اقتصادی و اجتماعی. ماده چهاردهم: تسهیلات ویژه برای زنان در مناطق روستایی. ماده پانزدهم: تساوی در حقوق قانونی و مدنی. ماده شانزدهم: تساوی در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی. (محمدی، ۱۳۸۶ش: ۲۸، ۳۴)

### کنوانسیون حقوق زن از منظر شیعه

در اینجا به بررسی برخی مواد کنوانسیون از دیدگاه اسلام می‌پردازیم تا علت اعمال کردن یا نکردن مواد کنوانسیون را، در ایران که یک کشور اسلامی است بدانیم. (محمدی، ۱۳۸۶ش: ۱۱)

۱) ماده اول، تعریف تبعیض: مصادیق بارز نفی تبعیض و برقراری تساوی حقوق در همه موارد مختلف این معاهده دیده می‌شود. اشکال اساسی کنوانسیون، تلقی نا صحیح از مفهوم «تبعیض» است. از نظر تنظیم کنندگان کنوانسیون «تساوی حقوق» به معنای تشابه است، در حالی که به این معنا نیست. تساوی برابری است و تشابه یکنواختی است. اسلام تبعیض بین زن و مرد را به شدت رد می‌کند و تساوی حقوقی را می‌پذیرد، ولی مهم این است که تساوی را به معنای تشابه نمی‌گیرد. (مطهری، ۱۳۵۷ش: ۷۴) اسلام حقوق مشابه و یکنواختی را برای زن و مرد قائل نشده، ولی مساوات را رعایت کرده است و این نکته‌ای است که از نظر متفکران غربی مخفی مانده است. از همین جا تعارض کنوانسیون با قوانین





اسلام آغاز می‌گردد.

۲) ماده نهم، تساوی در حقوق مربوط به تابعیت

بنا به این ماده، هر یک از زوجها می‌توانند جدای از یکدیگر در کشور متبوع خود، با کمال آزادی به زندگی فردی خود ادامه دهند و فرزندان خود را از نعمت داشتن خانوادهٔ منسجم محروم سازند.

از دیدگاه اسلام، با اعطای تابعیت مساوی برای زن در واقع بنیان خانواده که از پایه‌های اساسی جامعه است دچار تزلزل می‌گردد. (محمدی، ۱۳۸۶ش: ۲۴، ۲۰)

۳) ماده شانزدهم، تساوی در حقوق خانواده

طراحان کنوانسیون در این ماده، حق یکسان در انعقاد عقد ازدواج، انتخاب همسر، انحلال نکاح، اعم از طلاق یا فسخ را برای زن و مرد مقرر داشته‌اند. آنچه مسلم است اسلام در زمانی که حتی بشر به این مقوله‌ها نمی‌اندیشید، تساوی مزبور را پذیرفت و اصل حق تاهل را برای مرد و زن قبول نمود، و رضایت طرفین را دورکن اصلی برای ازدواج بیان کرد. چنانچه رسول اکرم (ص) یگانه دخترش را در انتخاب همسر آزاد گذاشت و در خصوص ازدواج وی با علی (ع) از آن حضرت نظر خواست.

### نتیجه

همانطور که ملاحظه نمودیم ما وقتی از شهروند و حقوق او سخن به میان می‌آوریم مراد ما، مجموعه‌ای از حقوق خصوصی و عمومی است که بر روابط اجتماعی افراد حاکم است روابطی که یک طرف آن مردم و طرف دیگر آن حکومت می‌باشد. با توجه به اینکه حاکم اسلامی، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند باید شرایطی را بوجود آورد تا در آن حقوق همه جانبهٔ افراد تأمین شود. در همین راستا حقوقی در قانون اساسی

به عنوان حقوق شهروند (حقوق ملت) شناخته شده که شامل: حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاه اجتماعی و حقوق قضایی می‌باشد. به طبع باید همه شهروندان (اعم از زن و مرد) در مقابل قانون از حقوق مساوی برخوردار بوده و قانون به صورت یکسان از آنها حمایت نماید.

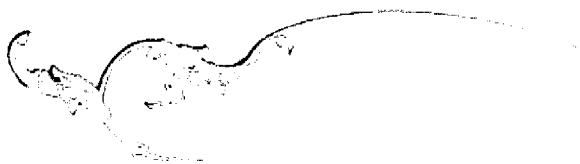
با توجه به اینکه زن و مرد به عنوان شهروند یک جامعه، علی‌رغم تفاوت‌های طبیعی که در غرایز و برخی خواسته‌ها و نیز عملکردها با یکدیگر دارند، در حیثیت و شرافت انسانی همانند هم هستند اما این سوال پیش می‌آید که آیا تالی این مقدمه باید تساوی در حقوق و تکالیف زن و مرد باشد؟

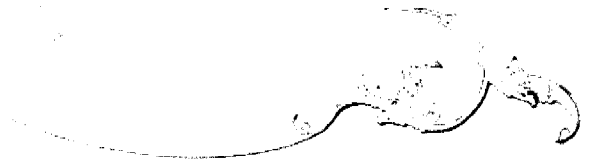
ما برای پاسخ به این سوال، حقوق زن را از سه دیدگاه مورد بررسی قرار دادیم: حقوق زن از دیدگاه کنوانسیون بین‌المللی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قرآن کریم.

درنهایت مشخص گردید که بین مواد کنوانسیون بین‌المللی حقوق زن و اصول قانون اساسی در برخی از موارد نقاط اختلاف وجود دارد، و منشأ این اختلاف به این مسأله برمی‌گردد که:

بین مفهوم برابری با عدالت و نابرابری با تبعیض خلط مفهومی انجام شده است. به دیگر بیان برابری و تساوی ملاک عدالت نیست چنان که نابرابری هم معیار تبعیض و بی‌عدالتی نیست.

محور تبعیض احتیاج و عدم احتیاج و همچنین قابلیت و عدم قابلیت است و تبعیض در مقابل عدالت است و نه «برابری» و عدل با برابری مترادف نیست. بنابراین در تقنین قوانین عادلانه، باید محمل و موضوع حقوق و تکالیف از یک سو و ویژگی و امتیازات آن شخص از سوی دیگر مورد تأمل قرار گیرد و آنچه که موضوع و محمل حق یا تکلیف است در هر فرد





یا گروه که یافت شود حق یا تکلیف نیز به آن فرد یا گروه تعلق می‌گیرد و هرگونه تفاوت میان این گونه افراد تبعیض محسوب می‌شود، زیرا با وجود شرایط یکسان و برابر به نابرابری حکم شده است. اما در مواردی که حق و تکلیف موضوع و محملی دارد که در همه افراد یافت نمی‌شود، بی شک حق و تکلیف مورد نظر به آن دسته از افراد تعلق می‌گیرد که آن موضوع و محمل حقوقی را دارا باشند.

ناگفته پیداست که این نوع برخورد اگرچه نابرابر می‌باشد، به علت تناسب آن با شرایط و ویژگی‌های برابر ممدوح، مجاز و عقلایی است در مباحث حقوق و تکالیف زن و مرد نیز می‌بایست به این نکته دقیقاً توجه کرد که موضوع و محمل حق یا تکلیف مورد نظر چیست؟

اگر موضوع و محمل حق یا تکلیف، امری که زن و مرد در آن مشترک‌اند، همچون آزادی اندیشه و عقیده که هردو لازمه شأن انسانی است باید حق یا تکلیف به طور مساوی به زن و مرد تعلق گیرد در غیر این صورت حق یا تکلیف به جنسی تعلق می‌گیرد که محمل و موضوع مورد نظر را دارا باشد.

## کتابنامه

قرآن کریم

- الجزیری، عبدالرحمن. ۱۴۰۶ق، *الفقه علی المذاهب الاربعه*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه.  
 احمدزاده، سیدمصطفی. ۱۳۸۶ش، *مقاله حقوق شهروندی* نشریه حوزه شماره ۵۶.  
 آشوری، داریوش. ۱۳۷۳ش، *دانشنامه سیاسی*، ویرایش دوم، تهران: انتشارات مروارید.  
 امامی، حسن. ۱۳۴۲ش، *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیه، چ دوم.  
 ابن تراب، مریم. ۱۳۸۵ش، *حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت علی(ع)*، ندای صادق، شماره ۴۱، ۴۲.  
 افشاری، صدری. ۱۳۸۲ش، *فرهنگ معاصر فارسی*، بی‌نا.

جصاص، ابی بکر احمد بن علی الرازی، احکام القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.

حسینی تهرانی، محمد حسین؛ رساله بديعه فی تفسیر آیه...؛ تکثیر شده به صورت خطی.

حقیقت، صادق. ۱۳۸۶ش. مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، بی نا، بی جا.

حسینی نیک، سید عباس. ۱۳۸۶. ش. مجموعه قوانین کاربردی مجد. تهران: انتشارات مجد

خزاعی، مجید. ۱۳۸۹ش. ماهیت حقوقی دبه، فصلنامه علمی - پژوهشی فدک، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.

الحرالعاملی، محمدابن الحسن. ۱۴۱۳ق. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ بیروت: موسسه ال بیت لاحیا التراث.

شافعی، ابو عبدالله محمدبن ادریس؛ احکام القرآن. بیروت: دارالفکر.

شجیعی، زهرا. ۱۳۷۲ش. نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، انتشارات سخن.

طباطبائی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، حوزه علمیه، قم، بی تا.

علایی نوین، فروزان. ۱۳۸۹ش. حق طلاق زنان در فقه امامیه و حقوق موضوعه، فصلنامه علمی - پژوهشی فدک، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.

عنایت، محمد. ۱۳۶۲ش. سیاست ارسطو، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، بی جا.

گولد، جولوس، ویلیام ل. کولب. ۱۳۷۶ش. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران: انتشارات مازیار.

گر جی، ابوالقاسم. ۱۳۷۸ش. رابطه فقه و حقوق، بی نا، قم.

محمدی، مریم. ۱۳۸۶ش. ماده شانزدهم کنوانسیون زنان از نگاه فقه شیعه. قم: بوستان کتاب.

مطهری، مرتضی. ۱۳۵۷ش. نظام حقوق زن در اسلام. قم: انتشارات صدرا.

مهرپور، حسین. ۱۳۸۶ش. حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات.

